

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ ۴۰۱ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۸ آوریل ۲۰۲۰

اخبار

موسان خبر دها؛

معافیت مالیاتی تولید کنندگان

صنایع دستی تا سقف در آمد دو میلیاردی

وزیر میراث فرهنگی بااشاره به تلاش برای جلوگیری از حذف ماده ۱۴۲ قانون مالیات‌های مستقیم گفت: اشخاص حقیقی بابت تولید فرش دستباف و صنایع‌دستی تا ۲ میلیارد ریال از پرداخت مالیات معاف هستند.

علی‌اصغر موسنان وزیر میراث فرهنگی گفت: سال گذشته‌هایی برای هنرمندان صنایع‌دستی در خصوص احتمال حذف ماده ۱۴۲ قانون مالیات‌های مستقیم پیش آمد که این موضوع به‌صورت جدی در دستور کار این وزارت‌خانه قرار گرفت و تلاش‌ها برای جلوگیری از حذف این ماده انجام شدوی افزود: در همین خصوص علاوه بر رایزنی با سازمان امور مالیاتی، در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهوری و نیز به وزیر اقتصاد و دارایی با اشاره به ارزش‌های والای فرهنگی، هنری و سایر ویژگی‌های مادی و معنوی صنایع‌دستی و هنرهای سنتی، خواستار جلوگیری از حذف ماده مذکور (۱۴۲) شدیم. وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ادامه داد: ماده ۱۴۲ قانون مالیات‌های مستقیم در پیش‌نویس لایحه اصلاح برخی از قوانین و مقررات مالیاتی تدوین‌شده در دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان امور مالیاتی کشور حذف‌شده که به‌طورجدی به دنبال باقی ماندن این ماده و جلوگیری از حذف آن بودیم و خوشبختانه به نتایج خوبی نیز دست یافتیم. موسنان در پایان گفت: به‌دنبال پیگیری‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، سازمان امور مالیاتی در پاسخ به یکی از نامه‌های این وزارت‌خانه آورده است: «پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم پس از برگزاری جلسات متعدد با کارشناسان و صاحب‌نظران ذی‌ربط تهیه و تنظیم‌شده ووفق بند ۶۲ آن متن: «درآمد اشخاص حقیقی بابت تولید فرش دستباف و صنایع‌دستی مجموعا تا مبلغ ۲ میلیارد ریال از پرداخت مالیات معاف است» جایگزین متن فعلی ماده ۱۴۲ قانون مذکور شده است.

شادلو با مهر مطرح کرد؛

جهان گردشگری پسا کرونا فرهیخته‌تر می‌شود

یک کارشناس گردشگری با اشاره به این‌که جهان پس از کرونا فرهیخته‌تر از قبل از آن می‌شود، گفت: اگر گردشگری با کرونا همراه شود، گردشگران به‌دنبال اثرپذیری از سفرشان می‌روند. علی شادلو مدرس گردشگری و کارشناس

مدیریت بحران درباره وضعیت گردشگری پس از کرونا گفت: بحران‌ها همیشه آموزنده بوده‌اند، حتی در حوزه روانشناسی تربیت این‌بحث وجود دارد که می‌گویند عیار انسان‌ها در میزان بحران‌هایی که در زندگی تجربه کرده‌اند، تعیین می‌کند.

وی افزود: در زبان علم مدیریت بحران آمده جوامعی که با بحران‌های مختلف برخورد داشته‌اند، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. مثلا ژاپن کشور کوچکی است که چون در کنار اقیانوس قرار دارد و دائم درگیر زلزله است، امن‌ترین کشور مقابل زلزله قلمداد می‌شود. آنها علوم زیستی را طوری تنظیم کرده‌اند که آسیب زیادی از زلزله نمی‌بینند. این نشان می‌دهد آنها چقدر بحران دیده‌اند. این این راهنمای گردشگری در ادامه گفت:

برخی از جوامع، اعتقادی به مدیریت بحران ندارند و این‌منطق را که «بالاخره از پس آن بر می‌آییم» دارند. به آنها باید کمک خارجی شود چون تدارکاتی برای حل بحران ندارند. برخی جوامع هم نمی‌دانند چه‌طور به بحران فکر کنند و علاج واقعه بعد از وقوع می‌کنند.

شادلو درباره این‌که چه‌قدر وسواس گریبان گردشگران را می‌گیرد، گفت: وسواس یک‌نوع بیماری و با اختلال مغز به شمار می‌آید. برخی از افراد گرفتار وسواس نیستند و بیمارگونه آن را ندارند و در چنین مواقعی منطقی عمل کرده و در هنگام سفر، مقصد را بررسی می‌کنند. در افرادی دیگر وسواس خفته است آنها اگر درمان نشوند بدتر خواهند شد. حالا چه فکر کنند یا نه. من معتقدم که به جمع افراد دارای وسواس پس از این بیماری اضافه می‌شود چه در حوزه سفر و چه در حوزه زندگی عادی.

وی در ادامه گفت: نمی‌دانم چه‌طور برخی افراد در این‌شرایط هنوز اصرار به سفر دارند. آنها چه‌طور به قیمت جان خودشان و بقیه در ایام عید به سفر رفتند ولی از یک‌چیز مطمئن هستم و آن هم اینکه بعد از کرونا جمعیت متقاضی سفر در زیرتیر گردشگری سبز و پایدار به شدت تغییر می‌کند. علاقمندان و فعالان گردشگری پایدار افزایش می‌یابد پس از این بحران جامعه گردشگری عیارمندتر و پخته‌تر می‌شود چه میزبان و چه میهمان. حتی شاید استفاده از اقامتگاه‌ها کمتر شود.

این‌راهنمای گردشگری گفت: الان جهان تولید محتواست مهم است که حین و بعد از بحران چه محتوایی تولید می‌کنیم. باید بدانیم مشتری چقدر سبک کار ما را می‌پسندد. شاید از هتل ۵ ستاره بیشتر از بوم گردی‌ها استقبال شود. ولی باید دید کدام هتل ۴ ستاره. چون برخی از هتل‌های پرستاره از هتل‌های کم‌ستاره ضعیف‌تر عمل می‌کنند. جهان پس از کرونا فرهیخته‌تر از قبل از آن می‌شود همه آنچه جامعه دانش محور به گردشگری و بخش خدماتی تحمیل می‌کند؛ در پساکرونا اتفاق می‌افتد و ما را وادار به گونه دیگر رفتار کردن وای دارد.

شادلو در پایان با اشاره به اینکه عصر پس از کرونا عصر مقاصد خلاق و مقاصد دانش محور از جنس گردشگری پایدار می‌شود، گفت: اگر گردشگری با کرونا همراه شود آدم‌ها به دنبال اثرگذاری شآن از سفر در جهان می‌روند. یعنی می‌خواهند ببانند چه اثری از سفر می‌پذیرند اثرگذاری و اثرپذیری یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های گردشگران پس از کرونا خواهد بود. دیگر دوره سفر تفریحی گذشته و حالا دورمای است که افراد می‌خواهند سفر روی آنها تأثیر بگذارد. بنابراین جایگاه سفر در ذهن افراد تغییر می‌کند.

در جامعه مدرن همواره در معرض ریسک قرار داریم و برای محافظت از خود مجبور به استفاده از پروتز هستیم. اگر این تکرار بدل به سبک زندگی شود، رفته رفته مؤلفه انسان – پروتز شکل می‌گیرد.

شیوع ویروس کرونا باعث شد تا جوامع به تعلیق رفته و به وضعیتی پاندمیک دچار شوند. تأثیر این ویروس بر همه دستاوردهای بشری در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد باعث شد تا متشکران بحث پیرامون آن بپردازند و در فهمش تلاش کنند. کرونا نشان داد که فقط یک پدیده پزشکی نیست، بنابراین برای فهمش باید اصحاب اندیشه، جامعه شناسان و اهالی فرهنگ نیز به سراغش بیایند. کرونا نشان داد که طریقی زندگی و سبیر و سلوک ما در جهان اشتباه است و باید تغییر پیدا کند. یافتن نظامی برای پس از کرونا نیازمند فهم کروناست. درباره این موضوع با دکتر حمیدرضا شمیری، و به‌گفت‌وگو نشستیم.

شمیری دکترای نشانه‌مکانشناسی از دانشگاه لیموژ فرانسه دارد و هم‌اکنون به عنوان استاد در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس مشغول تدریس و پژوهش است. «تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان»، «هبابی معناشناسی – نوین»، «نشانه‌معناشناسی دیداری»، «نشانه – معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی» و «فقتوس؛ راهی به نشانه‌معناشناسی سیال» (مشارک با ترانه رفایی) عناوین شماری از آثار تألیفی منتشر شده اوست.

ترجمه‌های «قصان معنا؛ عبور از روایت شناسی ساختارگرا؛ زیبایی شناسی حضور» نوشته آلژیرداس ژولین گرمس و «سماع زندگان» اثر ژان پیر پاستوری نیز در کارنامه علمی شمیری وجود دارد. او بیش از صد مقاله علمی و پژوهشی داخلی و خارجی در حوزه نظریه‌پردازی و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان تولید کرده است. یکی از دغدغه‌های شمیری در حوزه فرهنگ مساله سبک زندگی و سپهرهای نشانه‌ای آن است و مقالات او در این حوزه تا حدودی برداشت‌های سطحی از این موضوع را به کناری زده‌اند.

بسیاری کردن ر یک رخداد به معنای بدیویی آن نامیده و درباره‌اش بحث کرده‌اند. درباره وجوه تهدیدآمیز کرونا در عصر حاضر چه نظری دارید؟

پرسشی در مقابل سوال شما مطرح می‌کنم، آیا فقط کروناست که جان انسان‌ها را می‌گیرد و آیا فقط در معرض تهدید کرونا هستیم؟ قطعاً خیر. ما انسان‌ها همواره در معرض تهدید قرار داریم. آیا سرطان، آلودگی هوا، گازهای گلخانه‌ای، نابودی منابع طبیعی و جنگل‌ها، گرم شدن زمین ... تهدید نیستند و جان انسان‌ها را نمی‌گیرند؟

آیا امروز می‌توان از انسان دو وجهی یعنی نیمی انسان و نیمی چیز دیگری (مثلا شیء) صحبت کرد؟ پاسخ من به این پرسش مثبت است. سانتورها اگر دووجهی بودند، اسطوره و قدرتمند بودند، اما انسان امروز اگر دو نیم شود و نیمی از آن انسان و نیمی دیگری چیزی دیگر باشد، ضعیف و در خطر استیرشش بعد از آن واقعاً به آن فکر کرد این است که ما برای نسل‌های بعدی چه چیزی را به ارمان خواهیم گذاشت؟ نمی‌توان سده‌انگاران را برابر این پرسش جدی عبور کرد. آیا ما همه چیز را نابود خواهیم کرد و جهانی را به نسل‌های بعدی تحویل خواهیم داد که در آن فقر، فقر طبیعی، فقر انسانی و فقر اجتماعی بیداد می‌کند؟ این پرسشی بسیار جدی است و کرونا باید زنگ بیداری، آگاهی و خطر باشد. بنابراین همه چیز از نظر منی نیست و به ما یادآوری می‌کند که همواره در معرض تهدید قرار داشته و داریم.

اما چرا کرونا جدی شد؟ تنها فرق آن با دیگر تهدیدها در سرعت شیوع‌اش است. کرونا هم سرعت شیوع و هم سرعت اثرگذاری بالایی دارد و به همین دلیل بیشتر از سایر تهدیدها به چشم آمد. تهدیدهای دیگر آرام آرام جان انسان‌ها را می‌گیرند و سرعت کرونا را ندارند و به همین دلیل نیز به اندازه این ویروس توجهات را به خود جلب نکرده‌اند. ما در برابر آنها چه برنامه‌ای داریم؟ بنابراین همانطور که اشاره کردم کرونا برای ما باید آموزه‌هایی جدی هم به همراه داشته باشد.

بر این اساس انسان و جامعه پساکرونایی چه مختصاتی خواهد داشت؟ تحلیل شما چیست؟ برای پاسخ به این سوال من ابتدا باید اسطوره سانتورها ی کنترالس‌ها را برای شما تعریف کنم. سانتورها نیمی انسان و نیمی اسب بودند. در هنر دوره‌های گذشته بویژه نقاشی‌ها ما شاهد موجوداتی هستیم که نیمی انسان و نیمی حیوانند. در این دسته از موجودات سانتورها بسیار معروف‌تر از بقیه هستند چرا که ویژگی‌های خاصی داشتند. آنها قابلیت استنشان بسیار بالا بود و چون قدرت پیشگویی و سحر هم داشتند خود را برتر از انسان‌ها می‌دانستند. پس سانتورها دو وجهی هستند: نیمی انسان و نیمی اسب. از این اسطوره من می‌خواهم به بررسی جامعه‌فعلی‌مان بپردازم و ضمن آگاه کردن مخاطب از شرایط موجود یک هشدار نیز بدهم. آیا امروز می‌توان از انسان دو وجهی یعنی نیمی انسان و نیمی چیز دیگری (مثلا شیء) صحبت کرد؟ پاسخ من به این پرسش مثبت است. سانتورها اگر دووجهی بودند، اسطوره و قدرتمند بودند، اما انسان امروز اگر دو نیم می‌بینم، انسان – پروتز یعنی انسانی که یک وجهش انسان و وجه دیگری پروتز، این پروتز را من به صورت نشانه شناسی سبک زندگی این هشدار را دادم و امروز نیز دوباره تکرار می‌کنم که اگر بشر امروزی نتواند مسائل و مشکلات جامعه خود یا مشکلات سبک زندگی‌اش را حل کند یا حداقل به سمت بهبود این مشکلات حرکت نکند، تبدیل به انسانی می‌شود که دگر نیمی از او انسان نیست.

این دو وجهی شدن را من در انسان – پروتز می‌بینم. انسان – پروتز یعنی انسانی که یک وجهش انسان – یعنی هرمن موجودی که ما هستیم – است و وجه دیگریش پروتز. این پروتز را من به صورت ماسک می‌بینم، هرچند که انواع و اقسام دارد. پروتزها وسایل و ابزارهایی هستند که به کمک انسان آمده و بوسیله آنها یک از روندهای زندگی انسان بهبود پیدا می‌کند. به عنوان مثال ما با تلسکوپ و عینک روند دیدن را بهبود می‌بخشیم و با عصا روند حرکت کردن و راه رفتن را. پروتزها نقش‌های دیگری هم دارند که

نمی‌خواهم وارد آنها شوم.

چرا ماسک از دید شما یک پروتز است؟

ماسک هم ابژه‌ای است که انسان امروز مجبور به استفاده از آن است تا خودش را استتار و مخفی کند. امروزه انسان جهان مدرن مجبور است تا در شرایط موقعیت‌های مختلف از ماسک استفاده کند. ماسک وسیله‌ای است که به ما افزوده می‌شود و هر وسیله‌ای که به ما افزوده شود و ما مجبور به استفاده کمکی از آنها شویم، پروتز است.

در جامعه امروز پروتز را ابتدا در شرایط آلودگی هوا تجربه کردیم. هر گاه که در فصل پاییز هوا آلوده شد ما مجبور به استفاده انواع و اقسام ماسک شدیم تا شرایطمان بهبود پیدا کند. امروز که در شرایط کرونا به سر می‌بریم نیز به پروتز پناه آورده‌ایم و این پروتزها بجز انواع و اقسام، لایه‌های متفاوتی هم دارند از پوشش جلوی صورت و عینک گرفته تا حتی لباس‌های مخصوص مکان‌های میکروبی. این اشیا هم پروتز هستند و ما را استتار می‌کنند.

چرا پروتز از لحاظ انسانی ما را دو وجهی می‌کند؟ به این دلیل که نیمی ما در انسان در همان شرایط عادی پایا مانده اما نیمی دیگر پشت یک ابزار یا ماسک که پروتز است، مخفی می‌شود. در این صورت ما قدرت و امکان ارتباط مستقیم برای بروز وجه کامل انسانی‌مان را از دست خواهیم داد. پس پروتز امروز دارد بدل به بخشی از زندگی ما می‌شود و اگر مراقب نباشیم و مواظبت نکنیم تبدیل به انسان – پروتز خواهیم شد و آنگاه است که از دیدن همدیگر محروم می‌شویم و این یک هشدار جدی و واقعی است.

ما در دورانی نه چندان دور ناچاریم که همواره با پروتز یعنی با این ماسک‌ها زندگی کنیم، چرا که در جهانی زندگی می‌کنیم که یک روز افولناز را به ما حملور می‌شود، روزی دیگر سارس، یک روز کرونا یا میکروب‌های دیگر. همچنین ممکن است در مناطق مختلف جغرافیایی درگیری نظامی شده و آلودگی شیمیایی ایجاد شود. شرایط آ و هوایی و آلودگی زیستی نیز ما را مدام مجبور به استفاده از ماسک کرده و می‌کند.

پروتز امروز دارد بدل به بخشی از زندگی ما می‌شود و اگر مراقب نباشیم و مواظبت نکنیم تبدیل به انسان – پروتز خواهیم شد و آنگاه است که از دیدن همدیگر محروم می‌شویم و این یک هشدار جدی و واقعی استسپ در جامعه مدرن همواره در معرض ریسک و خطر قرار داریم و برای محافظت از خود مجبور به استفاده از پروتز هستیم. محافظت از خود تکرار بدل به سبک زندگی شود، یعنی انسان دیگر نتواند پروتز را کنار بگذارد، به دلیل تهدیدهای بسیار رفته رفته مؤلفه انسان – پروتز شکل می‌گیرد. در این صورت انسان‌ها از دیدن و رؤیت همدیگر محروم خواهند شد. این محرومیت بخشی از تاریخ و فرهنگ ما و همچنین بخشی از حضور اگزیستانسیالیستی و بسیاری از روابط انسانی‌مان را تحت شعاع قرار می‌دهد. تولد انسان – پروتز که من آن را به ناسطوره (انسان جامه‌اند از قدرت اسطوره‌ای) تعبیر می‌کنیم، یعنی نیمی انسان و نیمی پروتز، یک خطر جدی و حتی فاجعه برای بشر آینده است.

به عبارتی مواجهه انسان با «یگری» یا اشکال مواجه می‌شود. چه باید کرد که این انسان– پروتز شکل بگیرد؟

نجات پیدا کردن از انسان – پروتز رسیدن به مهم‌ترین موهبت الهی، یعنی بهره‌مند شدن از حضور، چهره و روی خوش «دیگری» است. اگر انسان نمی‌خواهد که پشت پروتز استتار شود و چهره «دیگری» را از دست بدهد، راهی به جز بازگشت به اخلاق ندارد. اخلاق در یک کلمه یعنی انسان مسئول است. بازگشت به اخلاق نیز یعنی تغییر در سبک و ریتم زندگی. یعنی دست برداشتن از حرص و طمع بیش از اندازه. بازگشت به اخلاق یعنی بازگشت به آرامش. غارت‌ها، چپاول‌ها و اختلاس‌ها هم به اثر خودخواهی و زیاده خواهی شکل گرفته‌اند. این دو هم که تهدید جدی برای جوامع هستند، بر اثر از دست رفتن اخلاق شکل گرفته‌اند.

بازگشت به اخلاق یعنی چه؟ یعنی آشتی دوباره با تجربه‌های زندگی، آشتی دوباره با طبیعت و هوای پاک، یعنی ترک مصرف گرایي محض، بازگشت به جامعه مبتنی بر دیالوگ و گفت‌وگو محوری، پرهیز از انقباض اخلاقی و پرهیز از حذف، پرهیز از انباشت ثروت در چند نقطه ... و

بنابراین دوران پساکرونا باید دوران راستی‌آزمایی باشد. هر آن چیزی را که پیش از دوران کرونا از دست داده‌ایم، در دوران پساکرونا اگر آن را در دست بگیریم می‌توانیم امیدوار به احیایش باشیم. بنابراین پساکرونا دوران احیاست: احیای اخلاق، تعامل، احترام به دیگری، احترام به حقوق دیگری، احترام به اموال عمومی، احترام به منابع طبیعی، احترام به منابع مالی، بازگشت به همزیستی مسالمت آمیز و بازگشت به جامعه گفت‌وگو محور، بازگشت به دوران صلح و آشتی با خود و آشتی با دیگری بر اساس موازین اخلاقی و بر اساس حس مسئولیت پذیری.

تخریب طبیعت توسط انسان که باعث تغییر اکوسیستم‌ها و گرم شدن زمین شده شاید قدمتی که اندازه یک قرن داشته باشد. وقتی شما توصیه به اخلاق و احیا می‌کنید، به مولفه‌ای خواهیم رسید که هراسی در دل انسان می‌اندازد، هراس از اینکه علم و تکنولوژی باید به زیست بهتر انسان‌ها در زمین کمک می‌کرد، اما

استیجایار

بشریت به مرحله «انسان– پروتز» رسیده است

ماسک دیگر جزئی از بدن ماست



کرونا به ما ثابت کرد که این روند تاکنون برعکس بوده است. قدم نخست برای این احیا چیست؟

همانطور که گفتن من کرونا را یکسره منفی نمی‌بینم. کرونا زنگ خطر و هشدار برای انسان است که سال‌هاست اخلاق را گم کرده. باید اینجا این جمله دکارتی را که «من می‌اندیشم پس هستم» به این صورت تغییر بدهیم که به ما مسئول هستم پس هستم.» تحول این جمله دکارتی باید آموزه امروز ما باشد.

نجات پیدا کردن از انسان – پروتز رسیدن به مهم‌ترین موهبت الهی، یعنی بهره‌مند شدن از حضور، چهره و روی خوش «دیگری» است. اگر انسان نمی‌خواهد که پشت پروتز استتار شود و چهره «دیگری» را از دست بدهد، راهی به جز بازگشت به اخلاق ندارداگر مسئولیت، اخلاق مسئولانه و مسئولیت پذیری را احیا نکنیم و اگر به بازنگری رابطه‌مان با دیگری نپردازیم، چیزهایی را از دست خواهیم داد که بر اثر آنها انسان بودن و زیستن روی زمین را برای ما دشوارتر از قبل خواهد کرد. بنابراین دوران پساکرونا باید یک شروع جدید برای ما باشد، درست مانند یک تولد جدید. باید در این دوران آهنگ زندگی را تغییر دهیم و برای این تغییر باید به مولفه‌هایی که برای شما برشمرده، توجه شود.

انسان خردمند و آگاه انسانی است که در هر اتفاقی بجز تحمل آسیب‌های آن، درسی برای آینده می‌آموزد. من در تحلیل‌رای اینکه در جهان پساکرونا چه کنیم، می‌خواهم انسان و نگاه ایدئولوژیک را در برابر نگاه اتیک و مسئول‌محور قرار دهم. ایدئولوژی همان ساختارها یا باورهای ثابت انسان‌هاست که بر پایدها و بنیادها استوار است و بر عمل کردن به این پایدها و بنیادها اصرار و تأکید وجود دارد. در مقابل اتیک یک امر اخلاقی و ارادی است که انسان مسئول تولید می‌کند. ایدئولوژی انسان مسئول تولید نمی‌کند. یکسری دستورالعمل‌هایی را بوجود می‌آوردن می‌گویند که انسان را تشویز و قواعد و اصول باید اینگونه باشد و اینگونه عمل کند، به عبارتی انسانی ایدئولوژیک یعنی انسان پیرو.

اما انسان اتیک آگاه، مسئول و خردمند است که قدرت و اراده تصمیم گیری دارد. انسان اتیک هم مسئول خودش است و هم مسئول دیگری و هم در مقابل جامعه مسئولیت دارد. اتیک نوعی از اخلاق است که من به آن می‌گویم اخلاق مرامی و مسلکی. اتیک اراده‌ای است که بر مبنای مسئولیت در برابر دیگری تعریف می‌شود. بنابراین اتیک فضیلت است و فلاسفه غربی این را بیشتر تحت عنوان فضیلت به کار برده‌اند. نگاه انسان اتیک همواره به دیگری است. انسان اتیک در دیگری مهنوعی را می‌بیند که باید برای خدمت به او همواره به طریز مسئولانه حاضر باشد. در دوران کرونا داشتن اتیکی را تمرین کردیم. کرونا به ما یاد داد که از انسان ایدئولوژی یعنی انسانی که فقط مبتنی بر اصول و پایدهاست به انسان اتیک و مسئول بازگردیم و با اینکه نگاه اتیکی را در کنار نگاه ایدئولوژیک قرار دهیم، به همین دلیل مساجد، تکیه‌ها و مکان‌های زیارتی و مقدس هم تعطیل شدند. در اینجا مسئولیت بالاتر از ایدئولوژی ایستاده است. بنابراین پساکرونا باید دورانی باشد که در آن انسان مسئول بتواند بین خدا، دین، جهان و زیستن با شعور و زیستن آگاهانه و طبیعت یک ارتباط صلح آمیز برقرار کند.

اینکه کرونا را یک «خداد» خوانده‌اند نیز یک دلایل همین سخنان شماس‌ت. کرونا نشان داد که فقط یک پدیده مربوط به حوزه پزشکی نیست، بلکه به قول شما توانایی این را دارد که یک نظام معرفت‌شناسی نوینی را جلوی انسان بگذارد. در دوران کرونا متوجه بسیاری از اشتباهات بشر در جوامع مختلف و به طور کل در طبیعت شدیم. ما آموختیم که زمین و طبیعت را به شدت آلوده کرده‌ایم. آگاه شدیم که گازهای سمی در طبیعت پخش شده‌اند. آموختیم که طبیعت از دست ما انقباض بود و شدیداً تحت فشار. آموختیم که همواره در حال دست درازی به منابع طبیعی بوده و هستیم. آموختیم که اکوسیستم‌م را به‌خاطر دخالت بسیار اغراق آمیزمان به هم رده‌ایم. به همه این آموزه‌ها در دوران شیوع کرونا رسیدیم. چرا که در این دوران طبیعت، جنگل‌ها، آب‌های طبیعی و آسمان‌ها از چنگ ما رها شدند و به همین دلیل هم آسمان و هم زمین دوباره رنگ خود را پیدا کرده‌اند.

انسان اتیک آگاه، مسئول و خردمند است که قدرت و اراده تصمیم گیری دارد. انسان اتیک هم مسئول خودش است و هم مسئول دیگری و هم در مقابل جامعه مسئولیت دارد. اتیک نوعی از اخلاق است که من به آن می‌گویم اخلاق مرامی و مسلكیدر طول دهه‌ها به دلیل کش‌های اغراق آمیز و استتاد بسیار انقباضی از منابع طبیعی، انقذر طبیعت را تحت فشار قرار داده بودیم که مادر هستی لحظه‌ای برای بازسازی خود فرصت نداشت. دخالت بیش از حد ما در اکوسیستم باعث شد تا طبیعت امکان بازسازی خود را پیدا نکند. این در صورتی است که طبیعت باید برسد، ما در جهان قهر به‌سر می‌بریم. ما فراموش کرده بودیم که انسانیم و انسان یعنی قدرت خرد، ما مغرور و برده ایزک شدیم. با ابزار به جان هستی و طبیعت افتادیم. ابزار که کمی آرام گرفته‌ایم باید به شعور خود رجوع کنیم و از خود دوباره این پرسش‌های هستی‌شناختی را بپرسیم؛ که هستیم؟ برای چه هستیم؟ به دنبال چه هستیم؟ و از این جهان چه مسئولند، هوشمند باشند از این خرد و آگاهی استفاده می‌کنند.

داخل پراتنز سوالی از شما بپرسم. به نظران انسان از چه زمانی مؤلفه «تیک» را از دست داد؟

انسان از ۱۹ قرن به بعد اتیک را از دست داد.

در قرن بیستم این از دست دادن شدیدتر شد و قرن بیست و یکم به وضعیت فاجعه‌آمیزی رسید. در این قرن انسانی که باید در مقابل همه انسان‌ها و همه جوامع مسئول باشد، لابه‌لای قدرت ایدئولوژیک یا نگاه ایدئولوژیک و جوامع گم شد. کم به عبارتی پشت نقاب ایدئولوژی اتیک از بین رفت و انسان اگوئیست خودمحور بوجود آمد.

این انسان گمان می‌کند که همه چیز در اختیار اوست و قدرت کنترل و هدایت همه چیز را در همه موقعیت‌ها دارد. این بدترین نوع تفکر است، چرا که مولد انسان اگوئیست و انسان ضد اتیک است. انسان ضد اتیک نیز معنایی جز انسان ضد یا غیرمسئول ندارد. به همین دلیل است که می‌گویم اگر هوشمند باشیم باید پساکرونا برای ما دوران بازگشت به اتیک باشد.

ما در کنار ایدئولوژی احتیاج به اتیک داریم و باید آن را در جهان امروز زنده کنیم. به عبارتی ضرورت دارد که انسان مسئول را دوباره زنده کنیم که این به زنده کردن و احیای خرد جمعی نیز می‌انجامد. به همین دلیل گفتن که زمانه شیوع کرونا دوران بیداری و آگاهی است، بگذارد برای فهم بهتر مطلب از تمثیل بازی فوتبال استفاده کنیم. در فوتبال بهترین بازیکن صورتا کسی نیست که خوب می‌دود، خوب پاس می‌دهد و خوب دفاع می‌کند، بلکه بهترین بازیکن کسی است که به فکر لحظه بعد است و دوراندیشی دارد. بنابراین برای «لحظه بعد» به فکر ساختن موقعیت است تا آن موقعیت تبدیل به شرایط ویژه‌ای برای ساختن گل شود. پس بهترین بازیکن، کسی است که موقعیت سازی کرده و شرایط را آماده برای حرکت به آینده می‌کند.

کرونا باید ما را برای نگرش به آینده و همچنین برای باز شدن پرسپکتیوهای انسانی و برای بازسازی خرد انسانی آماده کند. ما پیش از کرونا خرد جمعی را از دست داده و تبدیل به انسان مسئولیتی مکانیکی و انسان مصرف گرای قدرت محور شده بودیم. بازهم تأکید می‌کنم که پساکرونا باید برای ما دنیای بازگشت به اخلاق باشد و همینطور دنیای تغییر فرهنگ. در کشورمان پس از انقلاب اولین ملام بر ایدئولوژی یا فاشیزار شد و هیچگاه در کنارش اتیک، یعنی مسئولیت بودن هر یک از افراد، نیز به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار قرار نگرفت.

و تغییر و تحول در سبک زندگی نیز اینجا معنا پیدا می‌کند. پیش از کرونا انسان ایدئولوژیک مغرور این ضرورت را درک نمی‌کرد، اما کرونا «هزستی» به دل این انسان مغرور انداخت! انسان ناچار است که پس از کرونا شیوه زیستن‌اش را تغییر دهد. باید تغییر در سبک و ریتم زندگی را آموخت. تجربه زیستی پیشینی ضرورتا باید تغییر کند. اگر همچنان خودمحور، خودخواه و دچار حرص باشیم و خود را مرکز جهان بدانیم، یعنی اینکه هیچ درسی از دوران کرونا نگرفته‌ایم.

تجربه تحول نشان داد که جوامعی موفقند که امکان انتقال سریع تجربه خودشان را به جهان دیگری داشته و همچنین از امکان استفاده از تجربه دیگری بهره‌مندند. بر این اساس دوران شیوع کرونا دوران بازگشت به تجربه‌های هم‌زیستانه است. «هستایش» انسان مورد سوال و تهدید قرار گرفته است بازگشت به انسان مسئول و بازگشت به خرد مسئولانه یعنی بازگشت به جامعه‌ای که در آن انسان خردمند نسبت به خود و همه دیگری‌ها مسئول است و تلاش خودش را می‌گذارد بر ترجمه سپهرهای فرهنگی. دوران پساکرونا به ما یاد می‌دهد که سپهرهای فرهنگی به هم ترجمه‌پذیرند.

بازگشت به انسان مسئول و بازگشت به خرد مسئولانه یعنی بازگشت به جامعه‌ای که در آن انسان خردمند نسبت به خود و همه دیگری‌ها مسئول است و تلاش خودش را می‌گذارد بر ترجمه سپهرهای فرهنگیمن از این ترجمه‌پذیری به‌گفت‌وگو مداری و دیالوگ یاد می‌کنم. در این گفت‌وگو مداری، نظام‌های گفت‌وگویی باز می‌شوند و به روی هم گشوده هستند. می‌خواهم اینجا جمله‌ای از مریلوپوتی در تعریف انسان را بیان کنم که «انسان موجودی است که همواره بر جهان گشوده است به همان میزان که جهان بر او گشوده است.» این گشایش انسان بر هستی یا گشایش انسان بر جهان و گشایش جهان بر انسان، چه معنایی می‌دهد؟ یعنی اینکه انسان همواره آمادگی دارد برای استقبال از آنچه که اخلاقی و مسئولانه است و همواره آن را به شکل ترجمه‌پذیری به جامعه خود انتقال می‌دهد، به همان میزان نیز آماده است تا هر آنچه را که دارد و داشته اوست به جامعه دیگری انتقال بدهد یا ترجمه‌پذیر کند برای جامعه دیگری.

دوران پس از کرونا باید همواره استقبال از ترجمه‌پذیری در معنای عام و بسیار گسترده آن باشد. جهان تجربه‌ها جهان قابل ترجمه به هم هستند. ترجمه‌پذیر بودن یعنی برهم گشوده بودن، یعنی امکان انتقال داشته‌ها از جهانی به جهانی دیگر درون بسترهای فرهنگی. جهان زیسته، جهان قابل ترجمه به جهان زیسته دیگری است و فرهنگ بشری است که انتقال را به امری انسانی و شعورمحور تبدیل می‌کند. امروز انسان نمی‌تواند در لایه‌های بسته خودش باقی بماند و جدا از دیگری‌ها و جدا از دیگر سپهرها همه چیز را داشته باشد. هر چیز که انسان‌ها دارند داشته‌های مشترک است. مهم این است که این داشته‌ها به اشتراک گذاشته شده و با حسن مسئولیت پذیری و حس اخلاق و شعور بشری گره بخورند.

پس در مجموع دوران پساکرونایی باید مسئولانه سبب شکل‌گیری رنسانسی جدید شود که در آن انسان به صلح با طبیعت و به تنظیم خود، متوجه برسد، ما در جهان بقدر می‌بریم. ما فراموش کرده بودیم که انسانیم و انسان یعنی قدرت خرد، ما مغرور و برده ایزک شدیم. با ابزار به جان هستی و طبیعت افتادیم. ابزار که کمی آرام گرفته‌ایم باید به شعور خود رجوع کنیم و از خود دوباره این پرسش‌های هستی‌شناختی را بپرسیم؛ که هستیم؟ برای چه هستیم؟ به دنبال چه هستیم؟ و از این جهان چه توقع و انتظاری داریم؟

استیجایار

بشریت به مرحله «انسان– پروتز» رسیده است

ماسک دیگر جزئی از بدن ماست

بشریت به مرحله «انسان– پروتز» رسیده است

اخبار

دبیر تشکل‌های ملی گردشگری اعلام کرد:

۵۳۰۰ میلیارد تومان، خسارت

گردشگری ایران در ۲ ماه

این ضرر به صنعتی وارد شده است که ۲۴۰ هزار نفر به صورت مستقیم و ۵۵۰ هزار نفر غیرمستقیم در آن مشغول به کارند.

دبیر تشکل‌های ملی گردشگری اعلام کرد: ویروس کرونا فقط در دو ماه اسفند و فروردین، ۵۳۰۰ میلیارد تومان خسارت به صنعت گردشگری وارد کرده و وام با سود ۱۲ درصدی جبران خسارات ناشی از کرونا را نمی‌کند. جمشید حمزه‌زاده که به نمایندگی از تشکل‌های گردشگری در نشست نمایندگان و فعالان بخش خصوصی با رییس‌جمهور حضور داشت، در سخنانی به بحران‌های یک گردشگری از سال ۹۸ تاکنون با آن روبرو شده است، اشاره کرد و افزود: گردشگری تنها صنعتی بود که در جریان تعطیلی‌های دوره کرونا آسیب

صدهرصدی دید و حدود ۵۳۰۰ میلیارد تومان فقط در ماه‌های اسفند و فروردین متضرر شد. او ادامه داد: این ضرر به صنعتی وارد شده است که ۲۴۰ هزار نفر به صورت مستقیم و ۵۵۰ هزار نفر غیرمستقیم در آن مشغول به کارند. رییس جامعه هتلداران ایران بسته حمایتی دولت برای جبران خسارت بخش گردشگری را بی‌تاثیر دانست و در نشست یادشده که رییس دفتر و معاون اقتصادی رییس‌جمهور، وزرای اقتصاد و صنعت و رییس بانک مرکزی حضور داشتند، پیشنهاد کرد: وام ۱۲ درصدی دولت به دلیل آسیب صدهرصدی صنعت گردشگری به تسهیلاتی با سود تکررقمی، بازپرداخت پنج‌ساله و یک دوره تنفس یک‌ساله تبدیل شود.

حمزه‌زاده همچنین درخواست کرد بخشودگی مالیاتی شامل حال صنعت گردشگری شود و در ادامه اظهار کرد: مالیات وقتی محاسبه می‌شود که درآمدی حاصل شده باشد و چون همه هتل‌ها، آژانس‌ها و مراکز اقامتی تعطیل هستند، درآمدی ندارند که مالیات بر اساس آن محاسبه شود و لازم است برای جبران بخشی از ضرر و زیان این صنعت، حداقل تا پایان امسال از معافیت صدهرصدی مالیاتی برخوردار شوند. دبیر تشکل‌های ملی گردشگری در آن نشست به ناپدید گرفتن شدن برخی از فعالان گردشگری در بسته حمایتی اشاره کرد و گفت: راهنمایان گردشگری که شامل ۱۳ هزار نفر می‌شوند از جمله مشاغل اصلی صنعت گردشگری هستند که در آن بسته حمایتی مغفول مانده‌اند. بر اساس اعلام روز دوشنبه روابط عمومی جامعه هتلداران ایران، حمزه‌زاده همچنین خبر داد که طی مذاکره با نهادهای معاون اقتصادی رییس‌جمهور قرار شده وی در روزهای آینده نسبتی با فعالان و تمام تشکل‌های گردشگری داشته باشد. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پیش‌تر طی یک برآورد کلی میزان خسارت ناشی از شیوع ویروس کرونا را به سه بخش میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۳۸۰۰ میلیارد تومان اعلام کرده

بود و دولت تخصیص میزبان تسهیلات را درخواست کرده بود که بنا به گفته معاون گردشگری این وزارت‌خانه، این رقم تخصیص داده نشده، اما موافقت شده به ازای حفظ هر شغل ۱۶ میلیون تومان تسهیلات با نرخ سود ۱۲ درصد تخصیص داده شود.

جمشیدی مطرح کرد؛

رسانه‌ها به حوزه کتاب و نشر نگاه غیرتجاری و غیرسیاسی داشته باشند

یک فعال رسانه‌ای گفت: مدیران مسئول خبرگزاری‌ها، جراید و همچنین رسانه ملی باید به حوزه کتاب و نشر توجه ویژه، غیرتجاری و غیر سیاسی داشته باشند. مهدی جمشیدی نویسنده، پژوهشگر و فعال رسانه‌ای در گفتگو با مهر، ضمن انتقاد از رسانه‌های برخط و جراید مکتوب کشور گفت: شیوه تعاملی نویسندگان و ناشرین با رسانه‌ها در ایران قواعد و اصول تعریف شده‌ای ندارد و حوزه نشر و کتاب خلاف دیگر حوزه‌های خبری محصور مانده است. وی افزود: با رصد رسانه‌ها متوجه شدم بیشتر آن‌ها فقط خبر انتشار یک یا چند کتاب را منتشر می‌کنند و آن‌هم بیشتر به‌خاطر خالی نبودن صفحه حوزه کتاب رسانه خودشان به خبرنگار فعال در این حوزه یا به قدم اول علاقه‌مند به کتاب و مطالعه باشد و در قدم‌های بعدی با اصول خبرنگرویی این‌حوزه آشنا؛ و نیز با نویسندگان و ناشران ارتباط نتگاتنگ داشته باشند. جمشیدی با اشاره به چارچوب خبری حوزه نشر و کتاب، گفت: به‌نظرم مانند پروژه‌های سینمایی، خبرنگار این‌حوزه هم باید از ابتدای نگارش کتاب تا انتخاب ناشر، طراحی جلد، دریافت مجوز نشر، انتشار کتاب، رونمایی، پخش، نقد کتاب و نظر خواننده‌ها و همچنین فروش کتاب را پوشش رسانه‌ای دهد و به تنظیم خبر به‌خشی تسلط و نیز اطلاعات کافی داشته باشد. همچنین مصاحبه با نویسنده و ناشر برای انگیزه نگارش، شیوه نگارش، اشاره به بخش‌های مختلف کتاب باید مدنظر خبرنگار این‌حوزه باشد.

مدیر مسئول تهران‌رسانه گفت: پیشنهاد می‌کنم مسئولان باغ کتاب تهران یا دیگر متولیان این‌حوزه مکان ویژه‌ای را به نویسندگان، ناشران و خبرنگاران اختصاص دهند تا اهالی این‌حوزه بتوانند گفتگوهای خبری، رسانه‌ای و همچنین نشست‌های نقد را بطور تخصصی با مخاطبان و منتقدان برگزار کنند. به‌نظرم توجه به ارزش زمان در انتشار اخبار حوزه کتاب ضرورت ندارد. به‌طور مثال اخبار این‌حوزه خلاف خبر واریز یارانه، افتتاح پروژه و وقوع سیل هر زمان که منتشر شود، متوجه به فراگیریی مخاطبان و علاقه‌مندان به کتاب و همچنین ترویج فرهنگ مطالعه می‌تواند اثرگذار باشد و دبیران خبر با توجه اینکه خبری در زمان رسانه‌ای دیگر منتشر شده نباید به این‌حوزه بی‌توجهی کنند. وی در پایان گفت: از مدیران مسئول خبرگزاری‌ها، جراید و همچنین رسانه ملی درخواست می‌کنم به حوزه کتاب و نشر توجه ویژه، غیرتجاری و غیر سیاسی داشته باشند.